

از مکاتیب مرحوم قزوینی^(۱)

23, rue Gazan, Paris 14^e France

هره شهر یور ۱۳۱۱

دوست فاضل محقق دانشمند آخرین مرقومه سرکار قریب چندین هفته است که زیارت شده است ولی بواسطه اینکه بدوشغل بسیار بسیار شاغل مشغول بودم ، یکی مراجعه نهائی و ارسال بقیه عکس نسخی که برای وزارت جلیله معارف از دوسه سال قبل باینطرف چنانکه میدانید تهیه کرده بودم ، و دیگر ادامه طبع جلد سوم جهانگشا که برحسب « اولتیماتومی » که اوقاف گیب بمن داده بودند بایستی حتماً و بلاکلام در اوایل ماه ژوئن گذشته (خرداد) بدان شروع کرده باشم ، لهذا قریب دوماه و کسری است که هر کاغذی از هر جا که میرسد (بعینه و بدون کم و زیاد مثل همان حکایتی که برحوم ملا صالح مازندرانی نسبت میدهند که در تمام مدت تحصیل در عتبات کاغذهایی را که از ولایتش می آمدند زیر گلیم خود میگذارد و پس از فراغ از تحصیل واخذ اجازه اجتهاد آن کاغذها را تماماً از زیر گلیم خود بیرون کشیده یکی یکی پس از چندین سال از تاریخ آنها بنوشتن جواب آنها مشغول شد) چون فی الواقع و بتمام معنی کلمه بقدر ده دقیقه وقت فارغ برای اشتغال بامور شخصی خودم نداشتم همه را بلاجواب گذارده بودم تا اکنون که بحمدالله والمنة جزء عمده عکس نسخی که برای دولت تهیه کرده بودم تمام را (باستانی سه یا چهار عدد دیگر از آنها که هنوز عکسش یا صحافیش با مقدمه اش تمام نشده) دیروز و پریروز برای طهران در ۲۹ بسته ارسال داشتم بعضی را که وزنش سنگین نبود و از ۳ کیلو گرام تجاوز نمیکرد بایست ، و بعضی دیگر که وزنشان از سه کیلومتر تجاوز بود با راه آهن بعنوان بسته امانتی ، امروز پس از دوسه سال شب و روز زحمت بحمدالله تعالی يك نفس نسبتاً راحتی میتوانم بکشم ، لهذا اولین مکتوبی که برداشتم و بجواب دادن آن مبادرت نمودم مکتوب اخیر سرکار است که اینک به مطالب مهمه آن ذیلا جواب عرض میکنم ،

۱ - گاهنامههایی که سرکار عالی از طرف حضرت مستطاب فاضل عالم محقق آقای آفاسیدجلال الدین طهرانی فرستاده بودید همه رسید و موجب کمال تشکر قلبی گردید مستدعی است در موقع ملاقات از جانب بنده اظهار منتهی درجه تشکر و امتنان صمیمی قلبی را خدمت ایشان اظهار فرمائید و عذر تأخیر عرض تشکر را نیز چنانکه در فوق علل آنرا عرض کردم خدمت ایشان ابلاغ فرمائید تا خدای نخواستہ محل بر مسامحه و مساهله یا غفلت و نسیان من از اداء وظیفه وجدانی خود که شکر منعم است نفرمایند .

۲ - در چند روز قبل کتاب جلیل القدر عظیم الحجم « ایران باستان » تألیف آقای میرزا حسن خان پیرنیا ادام الله ظله العالی که بتوسط حضرت تعالی به بنده هدیه فرموده اند زیارت گردید از مرور مستعجلی که بیعضی صفحات اوایل آن نمودم چنین مظنون من شد که این کتاب بر مراتب از « ایران باستانی » سابق بهتر و واضح تر و روشن تر و با تحقیق و تدقیق تر و تشنگی خوانندگان و محبان تاریخ را

(۱) از نامه هائیکست که مرحوم علامه میرزا محمد خان قزوینی با آقای مجتبی مینوی نوشته اند و بعلت فوائدی که از آن بدست می آید در مجله نقل میشود ، امیدواریم که بتدریج هر چه از این نامهها بدست آوریم منتشر سازیم (بنما) .

شفا بخش تر است ، فی الواقع از صمیم قلب بندگان حضرت مؤلف را به این همت عالی خستگی ناپذیر خودشان که فقط جلد اول تاریخشان ۹۰۶ صفحه است و اگر باقی مجلدات هم تقریباً همین تناسب باشد این خواهد شد قریب ۳۵۰۰ الی ۳۶۰۰ صفحه از تاریخ قدیم مملکت ما و ممالک مجاوره آن که معلوم است باجهزحاتی و چه تنبہاتی و چه اسباب کار و کتابهای متنوع متکثری و درجه مدت طولانی این تألیف منیف را برصه ظهور آورده اند تبریک میگویم ، خداوند امثال این وجودهای نادر بلند همت ایران دوست سعی مجد مقدم باعزم و اراده را در میان ابناء وطن ما زیاد کند برب العباد (۱)

از شما روی درباستی ندارم و حقیقتش رامیگویم اولین صفحات کتاب را که مطالعه کردم دربی مطلب نبودم دربی این فقط بودم که آیا غلط املاتی (که امروزه بواسطه خیمه زدن چهل در سرتاسر مملکت ما بسیار فراوان و رایج شده است) دارد یا نه ، که اگر دارد فوراً بهم بگذارم و اگر هم مطلب آن همه نص عبارات سقراط و افلاطون یا هردوت و اکزنفون و اکتریاس باشد و بلکه الیاذبالله اگر اسم الله اعظم و محیی اموات و شفای مرضی و منترطی الارض و عمل قرطاس و کلید اسرار کیمیا و اکسیر باشد الی الابد لایش را باز نکنم فوراً چشم افتاد جائی که «عجالة» را ، همین طور علی ما هو الصواب چاپ کرده بودند ، تعجب کردم که آیا امروز هنوز نسل آن کسانی که «عجالة» و «کلیة» و «حقیقة» را بی الف می نوشتند باقی است ؟ من که خیال میکردم صدها سال است این نسل عجیب بکلی منقرض شده و بجز در کتب تاریخ یادگاری از آنها در این قرون اخیر نمانده است ، با خود گفتم لابد این سهو طابع است و از یک گل بهار نمیشود بعد از چند صفحه دیگر باز دیدم «حقیقة» را و بعد از چند صفحه دیگر «کلیة» را و هکذا جمیع این نوع کلمات را دیدم درست چاپ کرده اند ، آنوقت با خود گفتم که معلوم میشود مؤلف این کتاب کسی است و جزء هیچ الرعاع بی اصل بی «پرنسیپ» بی مسلک جاهل نادان مغرور افسار گسیخته ، از خود و از جهل مرکب خود راضی ، و املا و انشا و فصاحت و بلاغت و امثال این امور را منخرفات و موهومات بدان ، نیست . سپس شروع کردم بادل راحت بخواندن مطالب کتاب و فعلاً یک پنجاه شصت صفحه باعجله مطالعه کرده ام و هر چه بیشتر میروم حرصم بر مطالعه آن و استفاده ام از مطالب بسیار عالی مفید محققانه آن بیشتر میگردد و خدا شاهد است مکرر تنها دستهارا با آسمان بلند کرده و از صمیم قلب گفته ام بار خدایا امثال این مردان بلند همت را که از بذل نفس و نفیس و وقت و مال و نعمل زحمات و مشاق مالا کلام در احیاء سیره اسلاف و افاده و تعلیم اخلاف هیچ دریغ ندارند در وطن ما متعدد گردان که فقط بتوسط اینگونه مردمان است که مملکتی زنده است و عادات و اوضاع و رسوم و فنون سلف همواره بخلف متصل میگردد . -

۳ - یکی از مطالب عمده اینست که از سر کار عالی و از آقای اقبال مدظلّه العالی خواهش دارم که هر کدام از ورود عکس نسخی که دیروز و پریروز فرستادم (و فهرست مختصری از آنها ذیلا مذکور خواهد شد) با خبر شدید استدهای اکید شدید جدی دارم که به بنده خبر دهید تا اسباب نگرانی خاطر بر طرف گردد ، زیرا که وزارت جلیله معارف بواسطه ترا کم اشغال گمان نمیکند خبر رسیدن آنها را برای من بنویسند و اگر هم نوشتند که مانعة الجمع نیست که سر کار عالی یا آقای اقبال هم نوشته باشید ، نور علی نور خواهد بود . اسامی عکس نسخی که در ۲۹ بسته پریروز و دیروز بایست و باراه آهن فرستادم از قرار ذیل است :

۱ - ۳ دواوین شعراء سته فارسی یعنی مجموعه مشتمل بر خلاصه دواوین معزی

(۱) این اشاره در این وقت که تازه چاپ دوم از کتاب مرحوم پیرنیا (جلد اول) منتشر شده است بسیار بموقع افتاد (یعنی) .

و اثر اخسیکنی و ادیب صابر و نظام الدین محمود قمرافغانی و شمس طبسی و ناصر خسرو ، مورخه سنه ۷۱۴ و ۷۱۵ هجری ، بخط نسخ خوش ، نسخه دیوان هند (اندا یا فیس) در لندن ، بقطع بسیار بشیار طویل مرصع - ۲ دوره ۲ جلد

۸۰۳ عتبه الکتابه که عبارت است از مجموعه منشآت منتجب الدین بدیع اتابک الجعفی منشرف سلطان سنجر (رجوع کنید بلباب الالباب ۷۸۰-۸۰ ، وجهانکشا ۲۱-۹-۱۰ و مرزبان نامه ۲-۴) ، نسخه منحصر بفرد کتابخانه خدیوی در قاهره مصر مورخه سنه ۶۷۱ - ۳ دوره ۶ جلد (۱)

۱۱۰۹ احواء الملوك در تاریخ سیستان تألیف شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد بن شاه محمود سیستانی در سنه ۱۰۲۸ ، نسخه منحصر بفرد موزه بریطانیه در لندن ، تاریخ ندارد - ۳ دوره ۳ جلد

۱۲-۱۷ زین الاخبار در تاریخ و اخبار و آثار و اعیاد و عادات و رسوم و انساب و معارف ملل مضیه تا اندازه ای شبیه بآثار الباقیه ابوریحان بیرونی تألیف ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود کردیزی (کردیز یا جردیز از محال غزنین است) در سلطنت عبدالرشید بن مسعود بن محمود غزنوی (۴۴۱-۴۴۴) ، از این کتاب دو نسخه گویا در دنیا بیشتر موجود نیست یکی در کبریج و دیگری در اکسفورد ، و نسخه کبریج اقدم و اصح نسخه است ، و عکس حاضر عکس نسخه کبریج است ، بخط مستطین بدون تاریخ - ۳ دوره ۶ جلد

۱۸-۱۹ التوسل الی الترسل که عبارت است از مجموعه منشآت بهاء الدین محمد بغدادی منشرف نکش خوارزمشاه (۵۶۸-۵۹۶) ، و قسمت اخیر این نسخه حاوی مجموعه ایست نیز از منشآت عهد سلاجقه روم خدآسیای صغیر و بر بعضی از مکاتیب سلطان جلال الدین منکبرنی با آن سلاطین که بنحو قطع و قیقین از انشاء محمد نسوی صاحب سیرت جلال الدین و فتنه المصدر است ، نسخه کتابخانه ملی پاریس مورخه ۶۸۴ هجری - ۱ دوره ۲ جلد (۲)

۲۱-۲۰ حدود العالم در مسالك و ممالک بزبان فارسی مؤلف در سنه ۳۷۲ و نام مؤلف معلوم نیست و کتاب بنام ابوالعزث محمد بن احمد مولی امیر المؤمنین [نوشته شده] که بدون هیچ شکی مراد از آن ابوالعزث محمد بن احمد بن فریفون از سلسله فریفونیان معروف ملوک ناحیه جوزجان در شرق خراسان است که ناصر خسرو در حق ایشان و سلطان محمود غزنوی گفته است :

کجاست آنکه فریفونیان ز هیبت او ز دست خویش بدادند گوژگانان را

طبع فوتو تیبی آکادمی علوم جمہیر متحدہ شوروی در سنه ۱۹۳۰ مسیحی از روی نسخه منحصر بفرد موزه آسیائی لندن گراد ، مورخه سنه ۶۵۶ (یعنی در سال تألیف گلستان) - ۲ دوره ۲ جلد (۳)

۲۳-۲۴ نوروزنامه رساله ایست بفارسی بقطع وزیر بخط نسخ با املاهای قدیمی در شرح نوروز و تاریخ آن و آداب آن و از فرادی که از دیباجه آن صریحاً و واضح میشود این رساله از تألیفات حکیم عمر خیام معروف است گرچه هیچ یک از مورخین و از باب رجال و طبقات الحکماء و غیرهم چنین کتابی بنیام نیست نداده اند ، عین عبارت دیباجه اینست بعد از حمد و صلوة :

« چنین گوید خواجه حکیم فیلسوف الوقت سید المحققین ملک الحکماء عمر بن ابراهیم الخیام رحمة الله علیه که چون نظر افتاد از آنجا که کمال عقلست هیچ چیز نیافتم شریفتر از سخن و رفیع تر از کلام چه اگر بزرگوارتر از کلام چیزی بودی حق تعالی بارسول الله صلی الله علیه خطاب فرمودی

(۱) این کتاب باهتمام خود فرزینی مرحوم و آقای اقبال آشتیانی منتشر شد (یعنا) .

(۲) التوسل را جناب آقای بهمنیار تصحیح و چاپ کردند (یعنا) .

(۳) حدود العالم بتصحیح و اهتمام آقای سیدجلال الدین طهرانی بحروف سربی چاپ شد (یعنا) .

وگفت اند بتازی و غیر جلیس فی الزمان کتاب، دوستی که بر من حق صحبت داشت و در نیک مهدی یگانه بود از من التماس کرد که سب نهانن نوروز چه بوده است و کدام پادشاه نهاده است التماس او را ملبول داشتم و این مختصر جمع کرده آمد بتوفیق جل جلاله (کذا) ۱۰ - نسخه منحصراً بفرد کتابخانه برلین ۵۶۰ صفحه - ۲ دوره ۲ جلد (۱)

۲۴ - ۲۵ سمط العلی للتحضره العلیا در تاریخ قراختائیان کرمان تألیف ناصرالدین بن منتجب الدین منبشی کرمانی در حدود ۷۱۶ هجری که بطرز و اسلوب کتاب معروف عقد العلی للموقف الاعلی در تاریخ امرای فز کرمان تألیف افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد کرمانی در حدود ۸۸۴ هجری نگاشته و در حقیقت ذیل همان کتاب است، نسخه موزه بریتانیه در لندن بخط نستعلیق، تاریخ کتابت ندارد ولی باید در حدود قرن دهم هجری نوشته شده باشد - ۲ دوره ۲ جلد (۲)

۲۶، ۲۷ شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار در مزارات اکابر و اولیاء صالحین و علما و فقهای شیراز بمربی تألیف معین الدین جنید الشیرازی در حدود سنه ۷۹۱ هجری، نسخه موزه بریتانیه در لندن، تاریخ ندارد ولی نسخه قدیمی بنظر نمی آید - ۲ دوره ۲ جلد (۳)

۲۸ - ۲۹ زبده التواریخ بمربی در تاریخ سلجوقیه تألیف سید صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی الحسینی در حدود ۶۲۲ هجری، نسخه منحصراً بفرد موزه بریتانیه در لندن، تاریخ کتابت ندارد ولی نسخه بنظر قدیمی می آید و بنیاید مؤخر از حدود ۷۰۰ هجری نوشته شده باشد - ۲ دوره ۲ جلد (۴)

تکرار میکنم هر کدام از سرکار عالی و آقای اقبال که از ورود عکس نسخ مذکوره در فوق (که بعضی از آنها در همان موقع ورود این مکتوب باید رسیده باشد و بعضی دیگر که با راه آهن فرستاده شده تا یکی دو ماه یا شاید تا دوسه ماه دیگر خواهد رسید) مستحضر شدید ولو بوجه اجمال یعنی مثلاً فقط از ورود بعضی بسته ها مسبوق شدید نه از کم و کیف آنها مستدعی است که مرحمت فرموده بتوسط یک کارت پستال بنده را نیز از ورود آنها مستحضر سازید و اگر وسیله تحصیل اطلاع تفصیلی یعنی عدد و اسمانی کتب را هم داشته باشید که نور علی نور خواهد بود و الا هر گونه اطلاعی ولو در نهایت اجمال و ابهام باشد باز برای من بهتر از جهل مطلق و چشم براه بودن و انتظار طولی لایتنامی است.

۴ - بلی دو کتاب در خصوص عمر خیام در این اواخر در شام و بغداد چاپ شده است یکی تألیف احمد حامد الصراف و دیگری تألیف احمد الصافی النجفی (نه المحامی چنانکه سرکار مرحوم فرموده بودید) و این دومی از سید احمد نجفی خودمان یا خودتان است نه اولی و از هر دو من یک نسخه خریده ام و مؤلف دومی یعنی سید احمد نجفی معهود عین کافه خصوصاً مرا خطاب باو در خصوص ترجمه رباعیات خیام بمربی بتوسط او عکس انداخته و چاپ کرده است و من در عین اینکه ازین فقره که کافه خصوصاً مرا که چندان با تفکر و رویه واضح است ننوشته بودم و لایق چاپ نبود اوجاب کرده اوقاتم تلخ شده ولی از اینکه مثل بسیاری حق ناشناسی نکرده و از زحمات دیگران بدون تسمیه آنها استفاده نخواستہ بنماید ازو متشکر شدم.

- (۱) نوروزنامه تصحیح آقای مجتبی مینوی با حواشی و تعلیقات بسیار بطبع رسید (یعنا).
- (۲) سمط العلی باهتمام آقای اقبال و تحت نظر مرحوم علامه قزوینی چاپ و نشر یافت (یعنا).
- (۳) تصحیح و چاپ شد الازار را خود مرحوم قزوینی در سالهای اخیر عمر خویش متمعن شد و عالیترین سرمشقی است که از برای تصحیح متون قدیم میتوان یافت (یعنا).
- (۴) متن این کتاب در لاهور بتصحیح محمد اقبال بطبع رسید (یعنا).

۵ - در خصوص زین الاخبار چنانکه در فوق ملاحظه فرمودید من سه دوره (در شش مجلد) از این کتاب نفیس در چهار روز قبل برای وزارت جلیله معارف فرستادم و چون بنده وظیفه خواری وزارت مزبور هستم بدیهی است که برخلاف امر و دستور العمل آنها قدمی نمیتوانم بردارم و بقول معراج نامه از قول جبرئیل حضرت رسول که ازو پرسید چرا از آسمان هفتم یا هشتم درست پیامد نیست بالاتر نمی پری وبامن همراهی نمیکنی ، جبرئیل عرض کرد :

اگر يك سرموی برتر یرم فروغ تجلی بسوزد یرم

بنده هم اگر يك سر موی از دستور العلمهای وزارت جلیله مزبور تخلف کنم هم وجدانم که من التزام بشی التزام بلوازمه مرا ملامت خواهد کرد و هم در خطر قطع وظیفه و شروع دسر ییری بملکی یا کشتی سازی یا سنگ خرد کردن برای ادارات راه آهن (که هیچ کدام هم اتفاقاً از دست من بر نخواهد آمد) خواهم افتاد لهذا بدو دلیل مذکور از جمله ۱۷ دلیل معروف (که بقیه اش را اختصاراً درز گرفتم) بنده را بدیهی است معذور خواهید داشت از اینکه ارسال عکس نسخ مزبوره را از مجرای معمولی قانونی آن یعنی ارسال مستقیم بشخص آقای وزیر معارف منحرف ساخته بتوسط سرکار عالی بوزارتخانه مزبوره بفرستم .

واما اینکه مرقوم فرموده اید که نسخه خودم را برای سرکار بفرستم بر سرکار مخفی نماند که من از جمیع نسخی که عکس بر داشته ام يك نسخه برای خودم عاریه مضمونه موقه نگاه نمیدارم بلکه فقط از بعضی از آنها که برای تازهای خودم اشد احتیاج بدانها دارم این کار را میکنم ، و از زین الاخبار (مثل بسیاری از نسخ دیگر از قبیل احیاء الملوك و التوسل الی الترسل وغیره وغیره) اصلاً و ابداً هیچ نسخه برای خود نگاه نداشته ام چنانکه از ملاحظه جدول مذکور در فوق بر سرکار واضح خواهد شد که از کتاب مزبور یعنی زین الاخبار سه نسخه فرستاده ام و بدیهی است که از نسخ مهبوده من بیشتر از سه نسخه عکس بر نداشته ام و بعضی را هم کمتر مثلاً مجموعه منشآت تین گراد را (که آقای اقبال و صف اجمالی آنرا در مقدمه حدائق السحر بدست داده اند) فقط يك نسخه عکس بر داشته ام ، و از حدود العالم چون بسیار گران است فقط دو نسخه برای دولت ایتباع نموده ام ، و هکذا و هکذا ، والا اگر از زین الاخبار برای خودم نسخه نگاه داشته بودم با کمال سهولت برای سرکار فوراً میفرستادم ، و من بسیار تعجب میکنم که از سه نسخه از این عکسها که برای وزارت معارف فرستادم چگونه با این همه وسایل و روابطی که سرکار و حضرت آقای دهخدا مدظله العالی دارید و دارند نمیتوانید استفاده نائید ، و این نکته را هم نا گفته نگذریم که عکس حاضر زین الاخبار عکس نسخه کمبریج (King's College) است که اصح و اقدم نسخه تین است و آقای دهخدا با وجود موجود بودن سه نسخه از این کتاب آن هم اقدم نسخه تین دیگر نباید بفکر عکس نسخه اکسفورد بتوسط مسیوهانری ماسه بیفتند که هم مستلزم مخارج بسیار گرانی است و هم بالاخره سوادی از نسخه حاضر کمبریج ، و من قطع و یقین دارم که اگر اراده آقای دهخدا قرار بگیرد حتماً میتواند يك نسخه از این سه نسخه را از وزارت جلیله معارف برای یکی دو ماه عاریه بگیرند .

۶ - دو کتابی را که سرکار خواسته بودید منی یکی ترجمه گرجی ویس و رامین و دیگری شایست و نشایست هر دو را مدتهاست که بلوزاک سفارش داده ام که مستقیماً با درس حضرت تعالی بفرستد چندی قبل نوشته بود که ویس و رامین را فرستاده است ...

۷ - اگرچه بواسطه ظهور غیر منتظر بعضی عوایق وموانع که آقای اقبال لابد شرح آنها را خدمت حضرت آقای دهخدا مدظله اظهار نموده‌اند از ادامه ابداء بعضی ملاحظات قاصر خودم راجع بکتاب مستطاب امثال وحکم فارسی بطور نهائی بازماندم ولهذا بسیار از ایشان خجل و شرمندم مع ذلك دلیرا پندریزده و بیه چند هزار فحش و دشنام و شتم ولعن و سب و قدح و هجو و ذم و توبیخ و عتاب و ملامت و سرزنش و تفریح و سرکوفت و هزار چیز دیگر را از ایشان نسبت ب خودم مالیده بتوسط سرکار از ایشان استفاده میکنم که بقیه آن کتاب مهم نفیس را با بست سفارشی برای من ارسال دارند (اگر تمام شده است) و اگر تمام نشده است یا آنچه تا کنون از طبع در آمده بفرستند و بقیه را بعدها یا آنکه تأمل فرمایند و پس از خروج نهائی کامل از طبع همه را یکجا برای بنده بفرستند ، موکول برای مبارک خودشان است ، آنچه من فعلا دارم تا آخر صفحه ۱۱۷۰ است .

۸ - بعضی از کتبی که از آقای اقبال مدظله العالی خواسته بودم و ایشان مرحمت فرموده و بدست آورده و فرستاده بودند همه رسید و از مراحم ایشان نهایت امتنان وتشکر دارم مستدعی است در موقع ملاقات این مکتوب را با ایشان هم اراکه دهید تا از بعضی مطالب که راجع بایشان است مستحضر گردند و عندر صریضه جدا گانه خدمت ایشان از طرف بنده از ایشان بخواهید چه مکاتیبی که من خدمت سرکار یا خدمت ایشان عرض میکنم چون غالباً راجع بمطالب علمی و ادبی است و مطلبی محرمانه درین نیست اغلب آن مکاتیب در حقیقت خطاب بهردو دوست فاضل دانشمند من (یعنی آقای اقبال و سرکار عالی) میباشد ، اسامی کتبی که فرستاده بودند از قرار ذیل است :

کتاب الغیبه شیخ طوسی ، دیوان مجنون عامری دوسخه ، دیوان منسوب بحضرت امیر ، شرح معلقات سبع ، رجال کشی (این کتاب را بنابر سؤقتاهی لابد فرستاده‌اند زیرا که من عین همین چاپ را [که جز این چاپ هم گویا نشده است] خودم از سابق داشتم ، ولی اهمیتی ندارد بیک مستحقی خواهم داد که از آن بهره‌مند گردد) ، جلد عاشربهار الانوار مرحوم مجلسی . -

بالاخره عرض میکنم که لفاً سواد بعضی از مقدمه های عکس نسخ را برای اطلاع سرکار خدمت عالی فرستادم بعضی از آنها را که در پشتش نوشته‌ام «با خواهش اعاده» مستدعی است پس از مطالعه دسر فرصت اعاده دهید ابتدا عجله نیست فقط چون خودم نسخه از آنها ندارم میخواهم پیش خودم یک سواد از آنها باقی بماند ، و بعضی دیگر را که در پشت آنها نوشته‌ام «اعاده لازم نیست» اگر بکار نان میخورند نگاه دارید و چون خودم فرصت استنساخ آنها را نداشته‌ام بعضی از آنها را شخصی از اهالی بوسنه موسوم بمحمد طیب او کیچ استنساخ کرده و بعضی را داده‌ام یکی از اهالی معمولی اینجا از روی خط من روی کاغذ شفاف عیناً نقل کرده است و امیدوارم که بدون اشکال زیاد بتوانید آنها را بخوانید گرچه خواندن آنها فی الواقع خالی از اشکال نیست . غرض من از فرستادن این مقدمه ها خدمت سرکار چند امر است ، یکی آنکه اگر اشتباهاتی و اغلاطی و سهو هائی بنظر تان میرسد مرا از آن آگاه فرمائید دیگر آنکه سرکار با آقای اقبال جلب نظر تان بمضمون آنها بشود تا بعدها ، در ضمن مطالعات اگر بمطالبی برخوردید که مکمل یا مصحح بعضی از آنها باشد بنده را از آن مستحضر فرمائید (چنانکه آقای اقبال در مورد منتجب الدین بدیع کاتب درنگارستان قاضی احمدغفاری مطلبی یافته بودند و بمن نوشتند و من در مقدمه آن کتاب باسم خود ایشان درج کرده‌ام) ، سوم آنکه جلب نظر سرکار و آقای اقبال باصل نسخه معروضه شود که اگر بعدها نسخه دومی یا سومی از آن نسخه‌ها که تا کنون منحصر بفرد محسوب است یافتید بنده را وسایرین را از آن مستفید فرمائید ، دیگر با دعای دوام توفیق سرکار این مکتوب را همین جا ختم میکنم ، مجلس حقیقی محمدقزوینی .